

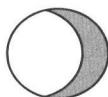


سال‌های دانشکده

یادنامه پنجاهمین سال تأسیس
دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی

به کوشش:

سیروس علی‌نژاد، مجید شفتی، رضا قوی‌فکر



نغمه‌ها پارس

سرشناسه / علی‌نژاد، سیروس، ۱۳۲۴ - ، گردآورنده
عنوان / سال‌های دانشکده: یادنامه پنجاهمین سال تأسیس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی
نام پدیدآور / به کوشش سیروس علی‌نژاد، مجید شفتی، رضا قوی‌فکر .
مشخصات نشر / تهران: ماهریس، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری / ۴۶۴ ص.
شابک / ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۳۴-۲۵-۱
وضعیت فهرست‌نویسی / فیپا
عنوان دیگر / یادنامه پنجاهمین سال تأسیس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی .
موضوع / دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی روزنامه‌نگاران ایرانی خبرنگاران و خبرنگاری
موضوع | *Journalists - Iran - 20th century - Reporters and reporting*
شناسه افزوده / شفتی، مجید، ۱۳۲۸ - ، گردآورنده
شناسه افزوده / قوی‌فکر، رضا ، ۱۳۳۳ - ، گردآورنده
رده‌بندی کنگره / ۵۴۴۹.۶۷
رده‌بندی دیویی / ۵۵۰.۹۲/۰۷۹
شماره کتابشناسی ملی / ۶۰۶۲۶۶۴

مسئولیت مطالب از نظر شیوه خط فارسی بر عهده نویسندگان است

عنوان کتاب : سال‌های دانشکده
به کوشش : سیروس علی‌نژاد؛ مجید شفتی؛ رضا قوی‌فکر
طراح جلد : محسن نوری نجفی
ناشر : انتشارات ماهریس
صفحه‌آرایی : سپهر
چاپ و صحافی : معرفت
چاپ اول : ۱۳۹۹
شمارگان : ۵۰۰ نسخه
قیمت : ۶۹۰۰۰ تومان

مرکز نشر و پخش:

میدان انقلاب؛ خیابان کارگر جنوبی؛ تقاطع لبافی‌نژاد؛ شماره ۲۶۶

www.nashremahris.ir

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۲۱۵۰

@nashremahris

@ketabfarhang

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ممنوع است.

فهرست مطالب

- پیشگفتار ■ سیروس علی نژاد ۷
- بخش اول: گزارش‌ها** ۱۳
- گزارش بزرگداشت پنجاه سالگی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی
۵۰ سال خاطره، در سالن ۱۰۰ ■ رضا قوی فکر ۱۵
- دانشکده‌ای نو، استادانی به‌روز و دانشجویانی مشتاق ■ رضا قوی فکر ۲۳
- سیر تأسیس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی ■ پرویز مصباح‌زاده ۶۵
- چیزی نیست، فقط نیم قرن! ■ مجید شفتی ۷۳
- سخنرانان جشن پنجاهمین سال تأسیس دانشکده - نهم اسفند ۱۳۹۷ ۹۵
- بخش دوم: یادداشت‌های دانشجویان دانشکده** ۱۰۳
- رواداری و سرنوشت مقدر دکتر مصباح‌زاده ■ داود اسماعیلی ۱۰۵
- آویخته به رنگین کمان رؤیاها ■ یحیی اورنگ خدیوی ۱۰۷
- با دکتر الهی در جزایر قناری ■ رضا باری پور ۱۱۹
- سیاستمدار روزنامه‌نگار، یا روزنامه‌نگار سیاستمدار؟ ■ محمدرضا باقری .. ۱۲۴

- دوران دانشجویی ■ رضا خدری ۱۳۵
- استاد دکتر منوچهر فرهنگ ■ رضا قوی‌فکر ۱۴۱
- از رؤیا تا واقعیت ■ مجید رحمانیان ۱۴۳
- بداهه‌نوازی با قلم ■ ابراهیم رستمیان ۱۴۶
- ۳ خاطره، ۳ رنگ متفاوت از زندگی ■ منصور (علیرضا) رهبانی ۱۵۱
- تجربه موفق آموزشی در دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی ■ علیرضا زرگر ... ۱۵۵
- ۴۵ سال بعد... ■ امیرحسین سعیدی ۱۵۸
- دکتر محمدمهدی صالحی استاد یا دانشجو؟! ■ سودابه میرفخرایی ۱۶۵
- آن دههٔ یگانه تاریخ ایران ■ سیما سلامت‌بخش ۱۶۷
- از بوی کاغذ کیهان بچه‌ها تا دانشکده خبرنگاری ■ مجید شفتی ۱۷۶
- پاکت دربسته‌ای که دنیای مرا عوض کرد ■ شاهرخ صداقتیان ۱۹۱
- هرگاه که چشم من و عرفی به هم افتاد ■ سیروس علی‌نژاد ۱۹۷
- یک استثناء ■ محمود غفاری مهر ۲۱۱
- دانشکده و من ■ علی اکبر قاضی زاده ۲۱۶
- عطر آگین تر از اقاچیا، آرزوهای یک دانشجوی روزنامه‌نگاری ■ رضا قوی‌فکر .. ۲۲۰
- روابط عمومی، رشته‌ای که قلقلکم داد! ■ منوچهر محمدشمیرانی ۲۳۰
- شوخی با استاد عمادافشار ■ کاری از اسماعیل عباسی ۲۳۴
- آتشی که دانشکده در جان من ریخت ■ میترا مفیدی ۲۳۵
- جادوی روزنامه‌نگاری ■ فرشیده میربغدادآبادی ۲۴۲
- از انشاء نویسی به روزنامه‌نگاری ■ احمد میرعابدینی ۲۴۵
- روزنامه‌نگار شگفت‌انگیز ■ حسن نمک‌دوست تهرانی ۲۷۲
- خانه پدری ■ امیرحسین سعیدی ۲۸۱

- ۲۸۳ بخش سوم: گفتگو با استادان
گفتگو با دکتر محمد استعلامی
- ۲۸۵ دکتر مصباحزاده شاخص‌ها را به دانشکده می‌آورد ■ سیروس علی‌نژاد ...
- ۲۹۴ دکتر ابوالحمد، استاد سیاست، نوهٔ واعظ لنگرودی ■ رضا قوی‌فکر
گفتگو با دکتر صدرالدین الهی
- ۲۹۷ روزنامه‌نگاری وسیله نیست، هدف است! ■ سیروس علی‌نژاد
- ۳۱۱ مواظب یابو باشید ■ دکتر صدرالدین الهی
گفتگو با دکتر ناصر رحیمی
- ۳۱۷ این خانه را آقای مصباحزاده ساخته ■ سیروس علی‌نژاد
- ۳۲۴ استاد منوچهر امیری ■ سیروس علی‌نژاد
گفتگو با دکتر حسن صفوی
- ۳۲۷ پنجاه سال و بیشتر با دکتر حسن صفوی ■ سیروس علی‌نژاد
- ۳۳۹ استاد معصومی، عکاسی را زندگی کرد ■ رضا قوی‌فکر
گفتگو با استاد دکتر علیقلی محمودی بختیاری
- ۳۴۳ باید بیایید دانشکدهٔ علوم ارتباطات را ببینید ■ سیروس علی‌نژاد
- ۳۵۱ بخش چهارم: گفتگو با دانشجویان
گفتگو با عبدالله سجادی
- ۳۵۳ کند و کاوی در یک گذشته پرفراز و نشیب ■ مجید شفتی
- ۳۸۰ یاد باد آن روزگاران یاد باد ■ دکتر باقر ساروخانی
گفتگو با دکتر مهدی محسنیان راد
- ۳۸۷ چیزی نمانده بود که دانشکده تبدیل به دانشگاه شود ■ مجید شفتی
- ۴۱۲ استاد عبدالرحمان فرامرزی ■ سیروس علی‌نژاد

- بخش پنجم: اسناد و تصویرها ۴۱۵
- نشریه پیام ارتباطات ■ مجید شفتی ۴۱۷
- تصویرها ۴۲۹
- باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است؟! ■ رضا قوی فکر ۴۵۷
- استاد دکتر حمید نطقی ■ خسرو رفیعی ۴۶۲

پیشگفتار

سیروس علی نژاد

«علوم ارتباطات» به مفهوم جدید کلمه در ایران، در «مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی» شکل گرفت. جایی که نخست در نامش از «علم ارتباطات» سخنی نبود ولی هسته این علم را در دامن خود پرورش می داد. به همین جهت کمی بعد مفهوم واقعی و زبان خود را بازیافت و به دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی تغییر نام داد. دکتر مصطفی مصباح زاده، بنیانگذار مؤسسه کیهان که بزرگترین روزنامه کشور را پایه گذاری کرده بود، از دهه ۳۰، به فکر تأسیس رشته روزنامه نگاری در دانشگاه تهران افتاده بود. در آن زمان، دانشگاه تهران یگانه دانشگاه ایران بود. دانشگاه های دیگر هنوز ایجاد نشده بودند و یا اگر نطفه برخی از آنها بسته و هسته آنها تشکیل شده بود، حداکثر در اندازه های دانشکده و مؤسسات آموزش عالی بعدی بودند. دانشگاه تهران، با پیشنهاد بنیانگذار کیهان موافقت کرد اما تلاش های دکتر مصباح زاده برای راه اندازی رشته روزنامه نگاری در دانشگاه تهران به جایی نرسید.

مصباح زاده که در راه رسیدن به هدف هایش خستگی نمی شناخت، افکار خود را همچنان پی می گرفت و بهتر آن دید که با تشکیل دوره روزنامه نگاری در مؤسسه کیهان به آمال خود تا اندازه ای جامه عمل بپوشاند. پس با برگزاری یک مسابقه ورودی که حدود ششصد داوطلب در آن شرکت کرده بودند - و این می رساند که روزنامه نگاری در آن دوره برخلاف امروز حرفه یا رشته پرطرفداری بوده است، ۲۵ تن را برای تحصیل در رشته روزنامه نگاری پذیرفت.

بنیانگذار کیهان می‌خواست نیروی انسانی لازم را برای روزنامه کیهان و نشریات وابسته تربیت کند اما در عین حال تقویت و ارتقاء روزنامه‌نگاری کشور نیز از نظر او دور نمی‌ماند، این بار تلاشش به ثمر رسید و از زمانی که احساس کرد تشکیل این کلاس‌ها موفقیت‌آمیز بوده است، در فکر ایجاد مؤسسه‌ای برای علوم ارتباطات یعنی رشته‌های روزنامه‌نگاری، روابط عمومی، بازاریابی و رادیوتلوویزیون به صورت آکادمیک افتاد و تأسیس دانشکده مدرنی را به وزارت علوم و آموزش عالی که در آن زمان تازه تأسیس شده بود پیشنهاد کرد و مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی در سال ۱۳۴۶ بنیاد نهاده شد. این مؤسسه از همان سال با برگزاری مسابقه ورودی اختصاصی -هنوز کنکور سراسری شکل نگرفته بود - دانشجو پذیرفت و دو سال بعد به صورت دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی درآمد.

در آن زمان تعداد مدارس عالی که به قصد انتفاع به وجود آمده بودند کم نبود اما مصباح‌زاده از ایجاد مؤسسه عالی مطبوعات، نیت بهره‌برداری مالی نداشت و در عین حال مردی صاحب نفوذ بود، نخبه‌ترین استادان را برای تدریس در دانشکده فراخواند، ضروری‌ترین و مربوط‌ترین واحدهای درسی را برای رشته‌های چندگانه مؤسسه تدارک دید و به زبان فارسی که از پایه‌های روزنامه‌نگاری و در سطحی مهمتر و گسترده‌تر، از پایه‌های ملیت ایرانی است، اهمیت داد. شیوه‌های نوین خبرنگاری و گزارش‌نویسی و روابط عمومی و امثال آن را در مرکز توجه دانشکده قرار داد و دیری نکشید که مشهورترین استادانی که در درون کشور حضور داشتند و در عین حال جوان‌ترین استادانی که تازه از دانشگاه‌های مهم کشورهای دیگر فارغ‌التحصیل شده و به کشور بازگشته بودند، جذب دانشکده شدند و سطح علمی آن را تا آن اندازه بالا کشیدند که برآستی با سطح بهترین دانشگاه‌های کشور برابری می‌کرد و اغراق نیست اگر گفته شود در برخی زمینه‌ها بویژه علوم تازه مانند روابط عمومی، جامعه‌شناسی، افکار عمومی از سطح بهترین دانشگاه‌های کشور فراتر رفت.

او دکتر علیقلی اردلان، سیاستمدار برجسته را که تا آن زمان سفارت ایران

در چند کشور را به عهده داشت و یک دوره وزیر خارجه کشور بود، به سمت رئیس دانشکده منصوب کرد و توانست استادانی مانند دکتر محمدحسین علی آبادی، عبدالرحمان فرامرزی، دکتر منوچهر فرهنگ، دکتر علیقلی محمودی بختیاری، دکتر ناصرالدین شاه حسینی، دکتر محمد استعلامی، دکتر صدرالدین الهی، دکتر حسن صفوی، دکتر ناصر رحیمی، دکتر پرویز صانعی، دکتر حمید نطقی، محیط طباطبائی و امثال آنان را در دانشکده گرد آورد و همه اینها در کنار تکنوکرات‌ها و سیاستمدارانی که به دانشکده دعوت می‌شدند و در سالن صد، مسائل روز را با دانشجویان در میان می‌گذاشتند و البته روزنامه‌نگاران با تجربه‌ای که به کلاس‌های درس روزنامه‌نگاری دعوت می‌شدند، باعث شد که در دانشکده دانشجویانی تربیت شوند که از یک سو سطح روزنامه‌نگاری کشور را بالا کشیدند و از سوی دیگر بنیاد روابط عمومی را در تمامی وزارتخانه‌ها و دوائر دولتی و غیردولتی دگرگون کردند. امروز که پنجاه سال و بیشتر از تأسیس این دانشکده می‌گذرد، اگر پژوهشگری بخواهد سیر تحول روزنامه‌نگاری و روابط عمومی را به مطالعه بگیرد، ناگزیر باید تاریخ آن را به پیش از تأسیس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی و بعد از آن تقسیم کند. چنانکه هرچه مؤسسه و مدرسه عالی و دانشکده روزنامه‌نگاری و روابط عمومی که پس از سال ۱۳۵۷ در ایران تشکیل شده که تعدادشان هم کم نیست همه از پرتو همان دانشکده پدید آمده‌اند.

طبیعی است که فارغ‌التحصیلان این دانشکده اکنون پس از پنجاه سال به خود ببالند که در چنین دانشکده‌ای و زیر نظر چنین استادانی تحصیل کرده‌اند و از آن مهمتر در پی آن برآیند که در پنجاهمین سال تأسیس دانشکده به بزرگداشت آن برخیزند. به همین جهت در سال ۱۳۹۷ گروهی از آنان به فکر افتادند که مراسمی در بزرگداشت دانشکده برپا دارند و بار دیگر دانشجویان آن روزگار را در سالن صد گرد آورند و به نکوداشت بنیانگذار و استادان خود همت گمارند. در عین حال از همان زمان به فکر افتادند که یادنامه‌ای درباره دانشکده فراهم و منتشر کنند. کتاب حاضر - همان یادنامه - نشان‌دهنده اهمیت

و عظمت علمی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی و بزرگی و دانش و ایران دوستی بنیانگذار و رئیس و استادان دانشکده است.

یادنامه حاضر شامل یادداشت‌های برخی از فارغ‌التحصیلان دانشکده بویژه در رشته روزنامه‌نگاری درباره دانشکده است و در آن برخی از آنان از چشم خود به دانشکده و استادان و نحوه تدریس و تحصیل در آنجا نگریسته‌اند. فکر برگزاری مراسم نکوداشت دانشکده تا آنجا که به یاد دارم از رضا قوی فکر بود و نخست در ذهن او جرقه زد و تهیه و انتشار یادنامه را زمانی که موضوع نکوداشت را با من در میان گذاشت، من به او پیشنهاد کردم که با استقبال ایشان روبه‌رو شد. پس از آن تحریریه‌ای مرکب از سه تن - مجید شفتی، رضا قوی فکر و سیروس علی‌نژاد - تشکیل شد تا کارها را دنبال کند و به ثمر برساند. سرپرستی کار نیز به عهده من گذاشته شد. این را به این جهت ذکر می‌کنم که همه بدانند اگر نقصی در کار هست که بسیار هم هست، بر عهده من است و اگر حسنی در کار هست حاصل زحمات دوستان است. همچنین لازم است یادآور شوم آن شوری که در آغاز تهیه یادنامه در بین دوستان مشاهده می‌شد - از جمله در مراسم نهم اسفند سالن صد - بی‌اندازه بود و اگر فقط نیمی از آن بر زبان و قلم جاری می‌شد، این جشن‌نامه بسیار پر بارتر می‌شد اما هنوز فاصله شور و شعف و فکر و ذهن با آنچه بر قلم و کاغذ جاری می‌شود، در ایران زیاد است. دشواری تهیه یادنامه کم نبوده است؛ پس از پنجاه سال، بیشتر استادان و فارغ‌التحصیلان دانشکده در اطراف و اکناف جهان پراکنده شده‌اند و دسترسی به آنان به دشواری امکان‌پذیر است. بسیاری کسان که می‌توانستند در این یادنامه حضور داشته باشند و بدان عمق و غنا بخشند اساساً از دسترس تحریریه ما دور بودند. در عین حال برخی کسان که در ایران و در دسترس بودند، به قدر انتظار همت و حمیت به خرج ندادند تا ساعت‌هایی از اوقات خود را به دانشکده خود اختصاص دهند و یادداشتی از سر ذوق و از دل و جان در این زمینه بنویسند. جامعه فارغ‌التحصیلان دانشکده نیز شکل نگرفته است که از آن طریق، دسترسی به همه امکان‌پذیر باشد. مراجعات مکرر دوستان تحریریه نیز برای یافتن آنان در

اقصا نقاط جهان حاصل‌چندانی به بار نیاورد. در عوض پاره‌ای دیگر از دوستان تا توانستند در این راه کوشیدند و آنچه اکنون به یاران دانشکده علوم ارتباطات تقدیم می‌شود حاصل تلاش بی‌شائبه آنان است. شایان ذکر است که رقم بزرگ فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی را دوستانی تشکیل می‌دهند که در رشته روابط عمومی درس خوانده‌اند و ما در آغاز کار، امید زیادی به آنها بسته بودیم و تصور می‌کردیم که مقالات زیادی از آنان درباره رشته روابط عمومی دریافت خواهیم کرد اما افسوس که این تصور بر خطا بود و فارغ‌التحصیلان روابط عمومی به هر دلیل، فعالیت مورد انتظار را در جشن‌نامه به عهده نگرفتند.

هرچه هست بد یا خوب، این یادنامه نشان از روزگاری دارد که بر ما به صورت کم و بیش مشترک در دوران تحصیل و در بهترین ایام زندگی گذشته است. آدمیان، همه ساخته روزگار خویشانند و ما بیشتر از هر چیز، ساخته و پرداخته روزگاری هستیم که «دوران دانشکده» نام دارد. واضح است که این نگاه از بیرون به خود ما و دانشکده ما نیست بلکه نگاه از درون به دانشکده و روزگار تحصیل ماست. دوستانی که در این باره نوشته‌اند تقریباً همگی بی‌آنکه با روزگار جوانی خود فاصله بگیرند سعی کرده‌اند دوران جوانی و دوران تحصیل خود را تصویر کنند. فرصتی که شاید اول‌بار به دست آمده باشد. چون اول‌بار است که تجربه‌های فردی خود را در دانشکده با جمع هم‌درسان در میان می‌گذارند، بی‌آنکه سهم استادان را از یاد ببرند. روزگار خوش دانشکده چنان در دل همگی ما نشسته است که امروز یادآوری آن شاید به خواب دیدن ماندتر باشد تا یک امر واقع، خوابی چنان شیرین که هیچ دوست نداریم از آن بیدار شویم.



هیئت برگزارکننده جشن پنجاهمین سال دانشکده از سمت راست: جواد قاسمی، محمد خلیلی، خسرو رفیعی، رضا قوی فکر، منوچهر شمیرانی، هوشنگ مدنی، علیرضا زرگر، حمید صدیق پور، ابراهیم رستمیان، حسین افخمی، حسن کرابی، عبدالله اسکویی



رضا قوی فکر، سیروس علی‌نژاد، مجید شفتی

هیئت تحریریه یادنامه «سال‌های دانشکده»